

پیشگیری از جرایم مالی از نظر حقوق کیفری اسلام کدام است؟

دریا دخت وفائی فیض آبادی^۱، مرتضی فتاحی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

^۲ استاد در رشته حقوق دانشگاه قم

چکیده

فرق جرائم مالی و جرائم اقتصادی در این است که جرائم مالی به جرائم کمتر و سنتی تر می گویند اما جرائم اقتصادی به جرائمی بزرگتر می گویند که کل جامعه را از بین می برد. در صدر اسلام هم کسانی بودند که از بیت المال اختلاس می کردند. همانگونه که در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی جرائم مالی جرم انگاری شده است. علل و عوامل ارتکاب جرائم مالی از نظر حقوق کیفری اسلام نبودن شغل، اعتقادات دینی ضعیف و توزیع ناعادلانه ثروت می باشد و راه های پیشگیری از جرائم، ایجاد شغل، رعایت حلال و حرام و حق الناس، جلوگیری از حرص و طمع و اسراف و رعایت صرفه جویی و انجام معاملات صحیح، طبق ضوابط اسلامی می باشد. روش تحقیق این مقاله روش تحلیل محتوا و منابع، کتاب ها و مقاله و پایان نامه ها می باشد.

واژه‌های کلیدی: اسلام، اقتصاد، صرفه جویی، پیشگیری از جرائم مالی، اسراف.

مقدمه

فرق جرائم مالی و جرائم اقتصادی در این اصل که جرائم مالی به جرائم کمتر و سنتی تر می گویند؛ اما جرائم اقتصادی به جرائمی بزرگتر می گویند که کل جامعه را در بر گرفته و از بین می برد. پیشگیری از جرائم مالی، از نظر حقوق کیفری اسلام از اهمیت فراوانی برخوردار است.

۱. پیشگیری از علل، عوامل و انگیزه های ارتکاب جرائم مالی از نظر حقوق کیفری اسلام، کدامند؟

اهمیت مسایل اقتصادی بر کسی پوشیده نیست. از طرف دیگر اقتصاد، برای همه کشورها، مهم است، زیرا قدرت و پیشرفت هر جامعه به قدرت اقتصادی بستگی داشته و رشد اقتصادی هر کشور نشانه ترقی و قدرت آن کشور محسوب می شود. امام علی (ع) نیز وقتی حکومت تشکیل داد، اقتصاد را قوام و ستون زندگی دین و دنیا معرفی کرد و یکی از حقوق مردم بر دولت را فراوان ساختن سرمایه و ثروت عمومی دانست.

از نظر اسلام، جهاد اقتصادی، بزرگترین عبادت است و جهادگر اقتصادی به منزله شهید است. نظام اقتصادی اسلام در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف بر اساس تولید بیشتر، توزیع عادلانه ثروت و صرفه جویی در مصرف پایه گذاری شده است. تا بتوان از جرایم مالی در حقوق کیفری اسلام، پیشگیری کرد. اعتقاد اسلام بر آن است که با حداقل منابع و سرمایه، حداکثر تولید را داشته باشیم و تولید را مهم ترین بخش اقتصاد میدانند و مصرف گرایی را پدیده زیانباری می داند که وابستگی به بیگانگان را در جامعه اسلامی زیاد می کند و توزیع مناسب منابع جهت برقراری عدالت اقتصادی از ضروریات است و مصرف به اندازه و جلوگیری از اسراف، همواره مورد تاکید بوده است که با مدیریت و بر نامه ریزی اقتصادی میتوان مانع اسراف شد و از وقوع جرائم مالی پیشگیری کرد.

بیشترین علل و عوامل جرم از نظر حقوق کیفری اسلام، نبودن شغل، اعتقادات دینی ضعیف و توزیع نا عادلانه ثروت، می باشد که موجب وقوع جرم و جنایت در جامعه می شود.

امیر المومنین علی (ع) می فرماید

«الاقتصاد ینمی و الاسراف یغنی الجزیل»

برنامه ریزی و میانه روی، کم را زیاد می کند ولی اسراف، چیز فراوان را نا بود می سازد.

یکی از نشانه های ایمان، مدیریت و برنامه ریزی اقتصادی است. داشتن مدیریت صحیح و برنامه ریزی دقیق، روش پرهیز گاران است.

امیر المومنین علی (ع) در تو صیف پرهیز گاران می فرماید:

«فمن علامه احد هم انک تری له قوه فی الدین و قصدا فی الغنی»

از نشانه های پرهیزگاران این است که: آنان را در دینداری و عمل به دین قوی و نیرومند می بینی و در حال توانگری و دارایی، میانه رو و با حساب.

مدیریت و برنامه ریزی اقتصادی، ضمانتی برای فقیر نشدن و استقلال و خود کفایی اقتصادی و پیشگیری از جرائم مالی در حقوق کیفری است و مهم ترین اصل اسلامی در زمینه هدف، اعتدال گرایی و پرهیز از افراط و تفریط است. دین اسلام، همه را به دوری از تجمل پرستی و استفاده درست از نعمت های الهی فرا می خواند و اصلاح الگوی مصرف را در جامعه ضروری و لازم می داند. با ایجاد فرهنگ ساده زیستی در جامعه و نظر به زندگی ائمه اطهار در می یابیم که اسلام به ساده زیستی اهمیت فراوان می داده است و علاوه بر آنچه گفته شد فساد مالی، عوارض منفی در کشور دارد که باعث خالی شدن خزانه بیت المال، موجب فاسد شدن افراد به جهت گرفتن رشوه، ایجاد فاصله طبقاتی زیاد و عدم توجه به شایستگی افراد، در هر سمت و شغلی می شود و باعث می شود با سر کار آمدن افراد نا لایق، فسادها بیشتر شده و جامعه بیشتر به تاریکی فرو می رود که این افراد نالایق با روش بیگاری گرفتن از انسان ها و پرداخت در آمد بخور و نمیر، بر ثروت های خود، هر روزه می افزاید و باعث وقوع بیشتر جرم در جامعه اسلامی می شود.

امام علی (ع) وصیت کرد و فرمود:

«یا علی، لا سخره علی مسلم»

ای علی، اجیر و بیگاری گرفتن از مسلمانان روا نیست.

یکی از بزرگترین موانع رشد اقتصادی مساله رشوه خواری و اختلاس است که انگیزه و اعتماد عمومی را از بین می برد و تمام فعالیت های اقتصادی و تجاری را مختل می کند. از نظر اسلام، قبل از انجام معامله باید از صحت و حلال معاملات، آگاه بود. صداقت و راستی از فضیلت های دین است. چراکه خداوند، همه پیامبران را قبل از بعثت به این صفت امتحان کرد و در دین اسلام، توصیه می شود که در معاملات، صداقت و راستی داشته باشید و با رعایت عدل و انصاف از ظلم و ستم دوری کنید. از گران فروشی بپرهیزید و به سود کم بسنده کنید و در معاملات، آسان بگیرید تا از بیشتر شدن جرایم مالی در حقوق کیفری پیشگیری شود.

امام صادق (ع) در مورد پیشگیری از جرم فرمود:

فریب دادن کسی که در نرخ کالا به شما اعتماد می کند، حرام و سود گرفتن بیش از اندازه ظلم است.

یکی از عادات زشت و ناپسند در معاملات، قسم خوردن است که اگر قسم دروغ باشد، حرام و از گناهان کبیره است و اگر قسم راست باشد مکروه و ناپسند است.

در این باره امام صادق (ع) فرمود: خداوند متعال از کسی که با سوگند و قسم خوردن، کالای خود را بفروشد، نفرت دارد. از دیگر آداب اسلام در معاملات، تنظیم سند مالی است که به آن سفارش شده است و در احادیث آمده که باید اسناد به صورت دقیق توسط نویسنده ای عادل و امین ثبت شود.

در حدیث آمده:

اگر کسی در معامله سند و شاهد نگیرد و مالش در معرض تلف قرار گیرد، هر چه دعا کند، خداوند مستجاب نمی کند. از سوی دیگر، معاملات از حق الناس است و اگر انسان از دنیا برود و بدهی داشته باشد تا ادا نکند، آمرزیده نمی شود. پس باید بر آن بصورت دقیق آگاه باشد.

۲. منبع موثق قرآن کریم در مورد معاملات اسلامی

در قرآن کریم، آیه ۲۸۲ سوره بقره که بزرگترین و طولانی ترین آیه قرآن کریم است که معروف به آیه (دین) است در مورد مقررات معاملات اسلامی کاملا توضیح داده شده است که به نوشتن تمام خصوصیات معامله با نویسنده ای عادل و امین و با گرفتن شاهد در تنظیم اسناد، سفارش شده است. از دیگر توصیه های اسلام، بر قراری عدالت و زدودن محرومیت از چهره جامعه و کمک به افراد نیازمند و محتاج است. همواره بر کار و تلاش، داشتن استقلال مالی، بی نیازی و عزت نفس، تاکید شده است و سستی و تنبلی و بدون تلاش به دسترنج دیگران وابسته بودن، امری ناپسند است، اما با وجود این، افرادی در جامعه به دلایل عدم توانایی کار، حادثه، بیماری، سن بالا، نیازمند به تعاون و همکاری می باشند که باید به آنان کمک کرد تا در چرخه اقتصاد، قرار گرفته و به زندگی آبرومندانه خود، ادامه دهند؛ و از وقوع جرم در جامعه اسلامی پیشگیری شود. از دیگر توصیه های اسلام در معاملات: دخالت نکردن در داد و ستد دیگران می باشد که یکی از اصول اخلاق اقتصادی در اسلام می باشد که از چنین کاری در اسلام، نهی شده است و به اعتدال سفارش بسیار شده است، یک امر عقلانی است که با جلوگیری از افراط و تفریط و رعایت اعتدال در زندگی در همه زمینه ها، از جمله اعتدال در عبادات، دوستی ها و دشمنی ها، اعتدال در اخلاق و تربیت و مهمترین قسمت، اعتدال در اقتصاد که همه روش های درست زندگی را پیش روی ما قرار داده است و یکی از وظایف حتمی و اجتناب ناپذیر هر فرد مسلمان را میانه روی در مخارج معرفی کرده است.

پیامبر اکرم فرمود:

«الاقتصاد فی النفقه نصف المعیشه.»

میانه روی در خرج کردن، نیمی از زندگی است.

۳. راه ها و تدابیر پیشگیرانه در برابر اینگونه جرائم، چه مواردی است؟

صرفه جویی و دوری از اسراف یک اصل محکم اسلامی و از پایه های اقتصاد اسلامی است که اگر رعایت گردد، به سعادت و خوشبختی خواهیم رسید و اگر این اصل مهم رعایت نشود، مشکلات و آسیب های فراوانی به زندگی وارد شده و باعث محرومیت می شود.

همچنان که امام علی (ع) فرمود:

«کل ما زاد علی الاقتصاد اسراف.»

هر چه از حد میانه روی بگذرد، اسراف است.

و در آیه دیگری در قرآن می فرماید:

«كلو و اشربو و لا تسرفوا انه لا یحب المرفین.»

بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید، همانا خداوند اسراف کاران را دوست ندارد.

اسراف می تواند در مصرف نان، آب، برق، اموال عمومی و بیت المال که بدترین نوع آن است، به وجود بیاید که یک بیماری و انحراف بزرگ در ضعف ایمان و کم رنگ بودن اعتقاد قلبی، در قلب انسان باعث می شود به اسراف روی بیاورد، همچنین با کوه نظری و کوه فکری انسان که فکر می کند، همه چیز زندگی باید در حد عالی باشد و ارزش خود را بالاتر از افراد اجتماع می داند و با ریا و تظاهر و بخشش های بی مورد، دوست دارد مورد تعریف و تمجید دیگران، واقع شده و با تجمل گرایی و تجمل پرستی و دلبستگی به دنیا و خریدن چیز های بی مورد که به آن نیاز ندارد، مرتب اسراف کند و با تقلید از الگو های نادرست رفتاری و کرداری دوستان و محیط اطراف خود، به این کار بی اساس ادامه دهد.

اسلام توصیه کرده که از طریق فرهنگ سازی و رسیدن به درجه ایمان و روشن کردن زشتی اسراف در نزد مسلمانان و شناساندن و شیرینی قناعت و مناعت طبع در زندگی می توان از اسراف دوری کرد و تلاش کرد که به حد ضرورت بسنده کنند و از طمع بپرهیزند که همانا صفت قناعت چون گوهری می درخشد و راحتی و آسایش دنیا و آخرت را به ارمغان می آورد.

امیرالمومنین امام علی (ع) فرمود:

«القناعت اهناء عیش.»

قناعت، گواراترین زندگی است.

در حدیث معراج آمده که: خداوند به پیامبر فرمود: آیا می دانی کدام زندگی گواراتر و کدام حیات ماندنی تر است؟ پیامبر عرض کرد: نه، خداوند فرمود: زندگی گوارا آن است که صاحب آن از یاد من خسته نشود، نعمت مرا از یاد نبرد و در زندگی قانع باشد. و در جایی دیگر امام علی (ع) فرمود:

«اطیب العیش القناعت.»

پاکیزه ترین و خوش ترین زندگی، زندگی با قناعت است.

که همانا از آثار و برکات قناعت، این است که با رسیدن به آرامش و آسایش و دوری از حرص و طمع و افکار پریشان، به بی نیازی و سر بلندی برسد که همانا قناعت، سرمایه تمام نشدنی است که با عزت و اقتدار درونی خود را عزیز در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند:

هر کس به دنبال مال حرام باشد و باکی نداشته باشد از این که از هر جا مال تحصیل کند، خداوند هم باکی ندارد که او را از هر دری وارد جهنم کند.

یکی از اصول مهم اخلاق اقتصادی، رعایت حلال و حرام است، چرا که خوردن مال حرام، عواقب جبران ناپذیری در پی دارد. از جمله: باعث عدم قبولی عبادات و اثر گذاری منفی در نسل های بعدی می شود.

در حدیثی پیامبر اکرم می فرمایند:

کسب حرام در نسل، اثر می گذارد و فرزندان نا اهل و گمراه و فاسد نتیجه حرام خواری است.

از طرف دیگر، مال حرام مانع استجاب دعا می شود و درهای اجابت دعا را بر روی انسان می بندد و رابطه انسان با خدا را، قطع می کند. مال حرام موجب فقر و فلاکت می شود و مانند موربانه ای است که به تدریج انسان را نابود می کند و محرومیت از بهشت و رستگاری آخرت را برای انسان در پی دارد.

امیرالمومنین امام علی (ع) فرمود:

«القناعه راس الغنی.»

قناعت، راس بی نیازی است.

حال برای دوری از اسراف و پرداختن به قناعت و راهنمایی جامعه به سمت اقتصاد صحیح و پیشگیری جرم و جنایت در جامعه اسلامی باید با اصلاح الگوی مصرف به جا و درست، از امکانات و منابع موجود، استفاده کنیم و از هدر رفتن زحمات بخش تولید و... بهره‌ییم و یکی از مهمترین روش های الگوی مصرف، رعایت حد و اندازه است؛ که با استفاده و بهره وری درست از اموال و سرمایه که از نظر اسلام یک ضرورت می باشد، به اصلاح امور و پیشگیری از جرایم مالی در جامعه بپردازیم. کار و کوشش در زندگی انسان اهمیت بسیاری دارد. در میان موجودات، انسان که شگفت انگیزترین و پیچیده ترین موجودات است، نیازش به کار، بیشتر از دیگر آفریدگان خداوند است. بدین سبب باید بیشتر فعالیت کند تا بتواند نیازهای شخصی، خانوادگی و اجتماعی اش را برطرف سازد و با کار و تلاش از استعداد های درونی اش جهت پیشرفت خود و جامعه استفاده کند.

امام سجاد (ع) در دعای خود می فرماید: حمد و سپاس خدای را که ما را از نیروهای فعال زندگی بهره مند ساخت و در بدن ما اندام هایی که برای کار کردن لازم است بیافرید و خوراک های پاکیزه را به ما ارزانی داشت و در جایی دیگر امام هشتم علی ابن موسی الرضا (ع) پاداش کار را از جهاد در راه خدا، بالاتر دانسته و فرمود:

پاداش و اجر کسی که برای مخارج زندگی خود و عائله اش تلاش و کوشش می کند و روزی خود را به فضل خداوند در پرتو کار و کوشش به دست می آورد، از پاداش کسی که در راه خدا جهاد می کند بیشتر است.

شکی نیست که کار، نیازی فطری و امری مقدس و با ارزش است و در عین این که تکلیفی الهی و وظیفه شرعی است، سنت انبیاء و سیره اولیاء و پیامبران الهی می باشد و اهمیت بسیاری در دین اسلام دارد. چون با کار کردن جلوی تنبلی را می گیریم و با تلاش و کوشش به نیازهای خود و خانواده در جامعه دست پیدا می کنیم؛ زیرا وقتی نیاز انسان در جامعه از راه درست و حلال برطرف شود، دنبال جرم و جنایت نرفته و از وقوع جرایم کیفی در حقوق اسلام پیشگیری می شود و جامعه ای سالم و اسلامی خواهیم داشت.

کار در سیره حضرت علی و ائمه اطهار (ع) اهمیت بسیاری دارد چرا که موجب سعادت و عزت نفس انسان می شود و کلید طلایی پیشرفت و تعالی انسان است و در مقابلش بیکاری سبب از بین رفتن احترام و شخصیت انسان گشته و منشا فساد و تباهی انسان است. انسان بیکار تن به هر ذلت و پستی می دهد و ممکن است انواع گناهان را مرتکب شود، از غیبت کردن گرفته تا دزدی و ...

بیکاری از عوامل تباه کننده عمر و وقت انسان است و سبب فقر و عقب ماندگی می گردد. در این باره مرحوم محدث نوری نقل می کند:

هر گاه پیامبر اکرم (ص) به مردی نگاه می کرد و از او خوشش می آمد، می پرسید حرفه و شغل تو چیست؟ اگر می گفت: نه، شغلی ندارم پیامبر اکرم (ص) می فرمود:

«سقط من عینی»

از چشم من افتادی.

می پرسیدند: ای پیامبر خدا چرا چنین است؟

می فرمود: «لان المؤمن اذا لم یکن له حرفه یعیش بدینه.»

برای این که مومن، اگر حرفه و شغلی نداشته باشد، به نام دین نان می خورد و به نام دین، بار دوش این و آن می شود.

در روایات از بعضی از شغل‌ها مثل کشاورزی به عنوان گنج و سرمایه یاد شده است. امام صادق (ع) فرمود:

«الزارعون کنوز الانام، یدعون المبارکین.»

کشاورزان، گنج‌های مردم‌اند و مقام آنان در روز قیامت از همه بهتر و قرب و منزلتشان از همه بیشتر است. در روز قیامت کشاورزان را سعادت‌مندان می‌خوانند.

در روایتی دیگر امام صادق (ع) فرمود:

«الزارعون کنوز الله فی ارضه.»

کشاورزان، گنج‌های خدا در روی زمین هستند.

یکی از نکات مهم و قابل توجه در زندگی ائمه اطهار (ع) عشق و علاقه‌ی وافر آنها به کار و تلاش بوده است. آنان همواره دیگران را نیز به کار کردن و تلاش و فعالیت تشویق و ترغیب می‌نمودند. ائمه اطهار (ع) کار را برای زندگی خود یک ضرورت می‌دانستند و از کار کردن و زحمت کشیدن و رنج بردن برای به دست آوردن روزی حلال، لذت می‌بردند و آن را عبادت می‌دانستند که در دین اسلام نیز به همه مسلمانان توصیه شده است؛ و از اخلاق و آداب کار در اسلام: آغاز کار با نام خدا، خوش برخوردی، تعیین دستمزد کارگر و پرداخت سریع آن و انجام دادن کار با حوصله و درستکاری نام می‌برند که سبب رشد و پیشرفت کار می‌باشد.

۴. اهمیت اقتصاد از اسلام

تردیدی نیست که اسلام دین جامع و کاملی است که در بردارنده‌ی تمام برنامه‌های زندگی انسان در هر دو جهان است. ویژگی این دین، آن است که در تمام زمینه‌های عبادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی دارای برنامه بوده و مقتضیات رشد و پیشرفت بشر را در نظر گرفته و موانع سعادت و کمال را بازگو نموده است.

یکی از بنیادی‌ترین عوامل رشد و پیشرفت انسان‌ها مساله اقتصاد است. اگر اقتصاد جامعه یا اقتصاد خانواده دچار مشکل باشد و مردم با تنگدستی و محرومیت اقتصادی به سر ببرند، جرم و جنایت در جامعه گسترش یافته و هیچ‌گونه باور اعتقادی و رفتار اخلاقی را پذیرا نخواهند بود؛ به همین جهت پیامبر (ص) فرمود:

«کاد الفقر ان یکون کفرا»

ناداری نزدیک است که به کفر بینجامد.

از سوی دیگر انسان به حسب آفرینش و غریزه خود به اسباب معاش و لوازم مادی زندگی از قبیل: خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و نظایر آن‌ها نیازمند است و بدون آن‌ها نمی‌تواند در هیچ بخشی از زندگی گام بردارد؛ لذا به صورت طبیعی در تامین آن‌ها تلاش وافر انجام می‌دهد.

اسلام نیز در مساله اقتصاد، روش تنظیم صحیح حیات اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی را در راستای عدالت اجتماعی ارائه نموده است که توجه به آن برای درست زندگی کردن و رشد و تعالی واقعی انسان بسیار مهم و حیاتی است.

اهمیت مسائل اقتصادی بر کسی پوشیده نیست؛ برای این که انسان‌ها در هر لحظه با آن درگیر هستند و این موضوع برای همه مردم ملموس است.

از سوی دیگر اقتصاد برای کشورها و جوامع از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا رشد، پیشرفت و قدرت هر جامعه و کشوری به قدرت اقتصادی آن بستگی دارد و امروز رشد اقتصادی هر کشوری نشانه ترقی و توسعه یافتگی آن کشور محسوب می‌شود.

در اسلام مسائل اقتصادی بسیار اهمیت دارد. تنها در قرآن بیش از ۴۵۰ آیه به این موضوع اختصاص یافته و صدها حدیث از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) در این باره رسیده است.

اصولاً تحقق اهداف متعالی اسلام بدون توجه به مسائل اقتصادی امکان‌پذیر نیست، به همین جهت حضرت شعیب بعد از دعوت به توحید مردم را دعوت به حق و عدالت در امور مالی و تجارت کرد و فرمود:

«و یا قوم اوفوا المکمال و المیزان بالقسط و لا تبخسوا الناس اشیاءهم و لا تعثوا فی الارض مفسدین»

ای قوم من پیمانہ و وزن را با عدالت وفا کنید و بر اشیاء و اجناس مردم عیب نگیرید و از حق آنان نگاهید (کم فروشی نکنید) و در زمین فساد نکنید.

این آیه نشان می دهد که پیامبران فقط مامور تبلیغ مسائل اخلاقی نبودند بلکه اصلاح وضع نابسامان اقتصادی نیز بخش مهمی از دعوت آن ها را تشکیل می داده است.

چه این که در داستان حضرت یوسف آن حضرت از میان تمام پست ها و مسئولیت ها، انگشت روی خزانه داری گذاشت، آن جا که می فرماید:

«قال اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ علیم»

یوسف گفت: مرا سرپرست خزائن سرزمین مصر قرارده که نگاه دارنده و آگاهم.

زیرا حضرت یوسف می دانست تا وقتی به مسائل اقتصادی مردم سرو سامان ندهد، هیچ مساله ای سر و سامان پیدا نمی کند و تنها از طریق شکوفایی اقتصادی است که می توان امور را کنترل کرد.

هدف از نظام اقتصادی اسلام، حاکمیت توحید، بندگی خدا و برپایی قسط و عدل در جامعه است. اهمیت توحید و عدالت در تمام احکام و قوانین اسلام بر کسی پوشیده نیست. توحید و عدالت محور اصلی و هدف اول در تمام ادیان آسمانی به ویژه دین مقدس اسلام است.

در دین مبین اسلام، سیاست های اقتصادی همواره با ارزش های معنوی توأم است. اسلام به مسائل اقتصادی، رنگ عبادی و معنوی داده است و دستور داده تلاش های مادی با انگیزه الهی باشد.

در بسیاری از مسائل اقتصادی، قصد قربت اعتبار دارد، مثلاً: احکامی مثل زکات، خمس، انفاق و سایر واجبات و مستحبات اقتصادی در آن ها قصد قربت شرط است.

پر واضح است که در اسلام روابط اقتصادی بر پایه اصول اخلاقی است و مسائل اقتصادی آمیخته با مسائل اخلاقی است. نظام اقتصاد اسلامی بر اساس ارزش ها و اخلاق طراحی گردیده است؛ اما در مکتب های مادی، روابط اقتصادی کاملاً خشک و بی روح است و بر پایه رقابت های منفی استوار می باشد که منجر به ورشکستگی، درگیری، تفرقه و اختلاف، دشمنی و عداوت است.

در این نوع مکاتب درآمد از هر راهی ولو با دروغ، تقلب، حيله، قتل و غارت، انسان فروشی و... به دست آید اشکالی ندارد. اما روابط اقتصادی در اسلام بر پایه اصول اخلاقی مانند: اخوت، تعاون، ایثار، احسان و... استوار است؛ بر همین اساس بسیاری از معاملات و مکاسب در اسلام حرام است؛ چون مسائل اخلاقی در آن نادیده گرفته شده و به ضرر مردم است.

در روایتی امام صادق (ع) به صورت کلی فرمود:

هر چیزی که در آن مصلحت و منفعتی برای مردم و بندگان خدا باشد، معامله، خرید و فروش، اجاره و هر گونه نقل و انتقال در مورد آن حلال است و هر چیزی مفسده و ضرر مردم در آن باشد، خرید و فروش، اجاره و... در آن باطل و حرام است.

خلاصه این که اقتصاد در اسلام، زیر چتر اخلاق است و ممنوع بودن برخی از معاملات به خاطر رعایت مسائل اخلاقی است و اسلام می خواهد سایه اخلاق و عاطفه بر روابط اقتصادی حاکم باشد.

در نظام اقتصاد اسلامی، کار هم ارزش مادی دارد و باید اجر فرد پرداخت شود و هم ارزش معنوی دارد.

در مکاتب اقتصادی دیگر، کار تنها ارزش مادی دارد اما در بینش اسلامی ارزش کار انسان تنها به اندازه پولی که دریافت می کند، نیست؛ بلکه به اندازه حسن نیتی است که در انجام آن به کار برده و دارای اجر معنوی است.

از این رو، کار در اسلام امری مقدس و عبادت تلقی شده و از جایگاه ویژه ای برخوردار است و در روایات از بیکاری، تنبلی، کم کاری، ناپایداری در کار به شدت توبیخ و سرزنش شده است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«ملعون ملعون من القی کله علی الناس، ملعون، ملعون من ضیع من یعول»

از رحمت الهی به دور است کسی که بار زندگی خود را به گردن مردم بیندازد و خانواده اش را در اثر ندادن نفقه ضایع و تباه سازد.

در حدیث دیگر فرمود:

«من وجد ماء او ترابا ثم افتقر فابعد الله»

کسی که آب و زمین در اختیار دارد، اما فقیر است، خدا او را از رحمت خود دور کرده است.

بنابراین از ویژگی های اقتصادی اسلامی آن است که کار، علاوه بر ارزش مادی، ارزش معنوی داشته و خوب است برای خدا انجام بگیرد تا اجر اخروی هم داشته باشد.

نکته دیگر این که در اسلام، کار با اعتقاد به قضا و قدر الهی، رزاقیت خداوند، توکل به خدا، زهد، صبر، مذموم بودن دنیا، نه تنها تضادی ندارد بلکه درک صحیح این مفاهیم، اثر مثبت بر کار داشته و زمینه رشد و توسعه اقتصادی را به دنبال دارد.

امام باقر (ع) حدیثی را از پیامبر (ص) نقل می کند که آن حضرت فرمود:

زمانی خواهد آمد که مردم از پروردگارش راجع به سود اموال خود گلایه می کنند و می گویند: از فلان وقت تا حالا سودی به چنگ نیاورده ام و همیشه از سرمایه خوردم.

آن گاه حضرت فرمود:

«ویحک و هل اصل مالک وذروته الا من ربک»

وای بر تو، آیا نمی دانی، اصل مال تو و سود آن از آن پروردگار است.

امام صادق (ع) به یکی از اصحاب خود به نام عیسی بن موسی فرمود:

«المال مال الله». مال، مال خداست.

هم چنین امام صادق (ع) به ابان بن تغلب فرمود:

«المال مال الله، یضعه عند الرجل ودائع»

مال، مال خداست و آن را به امانت نزد اشخاص قرار داده است.

این اعتقاد توحیدی که همه مال ها، مواهب و سرمایه ها از آن خداست، دلالت دارد بر این که انسان می تواند از مال و ثروت، بهره و استفاده صحیح ببرد؛ ولی حق ندارد آن را وسیله طغیان گری و ظلم و فساد قرار داده و در غیر راه صحیح و مشروع مصرف کند. این اعتقاد، یک ارزش است و اثر فراوانی در زندگی انسان دارد و از ویژگی های اقتصاد اسلامی است که موجب پیشگیری از جرم و جنایت در جامعه اسلامی می شود.

۵. نتیجه گیری

از آن روز که آدم با وسوسه های شیطان عصیان کرد و میوه ممنوعه را خورد و به کیفر این گناه از بهشت رانده شد و در زمین جای گرفت، باب گناه گشوده گشت و در آغاز پسر آدم قابیل برادرش هابیل را کشت و بزرگترین جرم را در زمین مرتکب گشت و تا به حال پسران آدم و دختران حوا همچنان راهی که پدر و مادرشان پیموده اند، می پیمایند تا عده ای به بهشت و گروهی به دوزخ بییوندند. پیشگیری از جرم اقسام گوناگونی دارد که در یک تقسیم بندی به پیشگیری کیفری و غیر کیفری تقسیم می شود و به طور کلی هدف از پیشگیری، کاهش شیوع و بروز طول مدت شیوع و ناتوانی باقی مانده از یک رخداد و جرم است. جرائم مالی به جرائمی گفته می شود که کمتر و سنتی تر هستند و برعکس جرائم اقتصادی که جرائمی بزرگ هستند که کل جامعه را در بر می گیرند. علل، عوامل و انگیزه های ارتکاب جرائم مالی از نظر حقوق کیفری اسلام نبودن شغل، اعتقادات دینی ضعیف و توزیع ناعادلانه ثروت می باشد و راه ها و تدابیر پیشگیرانه در برابر اینگونه جرائم، ایجاد شغل، رعایت حلال و حرام و حق الناس و جلوگیری از حفظ و طمع و اسراف و رعایت صرفه جویی و انجام معاملات صحیح طبق ضوابط اسلامی می باشد.

منابع

۱. حسینی، سیدعقیل، صدر، سید محمد باقر، فلسفه اقتصاد اسلامی، دانشگاه امام صادق، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش

۲. فراهانی فرد، سعید، سیاست های اقتصادی در اسلام، چاپ اول، بهار ۱۳۸۱ ش، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر
۳. فراهانی فرد، سعید، نگاهی به فقرو فقرزدایی از دیدگاه اسلام، چاپ اول ۱۳۷۸ ش، کانون اندیشه جوان
۴. کتاب الهی قرآن کریم
۵. کتاب نهج البلاغه از امیرالمومنین علی (ع)
۶. موسویان، سید عباس، بانکداری بدون ربا از نظریه تا عمل، چاپ اول، بهار ۱۳۷۹ ش، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر
۷. میر عمادی، سیداحمد، اقتصاد در اسلام، چاپ اول ۱۳۹۰ ش، باقیات
۸. میرمعزی، سید حسین، نظام اقتصاد اسلامی (مبانی فلسفی)، چاپ اول بهار ۱۳۷۸ ش، کانون اندیشه جوان
۹. میرمعزی، سید حسین، نظام اقتصادی اسلام (اهداف و انگیزه ها)، چاپ اول ۱۳۷۸ ش، کانون اندیشه جوان
۱۰. هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، چاپ اول ۱۳۷۸ ش، خانه خرد
۱۱. هادوی نیا، علی اصغر، معنویت و اقتصاد، چاپ اول ۱۳۸۱ ش، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر
۱۲. یوسفی، احمدعلی، نظام اقتصاد علوی (مبانی، اهداف و اصول کاربردی)، چاپ اول ۱۳۸۶ ش، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

Financial Crime Prevention in Terms of the Islamic Criminal Law

Darya Dokht Vafae Feyzabadi¹, Dr. Morteza Fathi²

1- M.A student in criminal law and criminology

2. Professor of Law at the University of Qom

Abstract

The difference between financial crimes and economic crimes is that the former crimes refer to lighter and more traditional crimes, while the latter crimes refer to grosser and more serious crimes that destroy the entire community. There were individuals at the beginning of Islam who embezzled from Baitulmal (House of Wealth). As Article 36 of the Islamic Penal Code has criminalized the financial crimes, the causes of committing financial crimes, according to the criminal law, include joblessness, poor religious beliefs, and the unjust distribution of wealth; and such crimes can be prevented through solutions including: creating jobs, complying with the Islamic Law regarding the forbidden and allowed ways of gaining income and observing the rights of people, preventing greed, lavishness, and extravagance, and observing saving and performing the right transactions in accordance with the Islamic regulations.

Keywords: Islam, economy, saving, financial crime prevention, extravagance
